

# ترجمه

نظريات دانشمندان و فيلسوفان جهان  
پيرامون ترجمه



مؤلفان: راینر شولته، جان بی گوته نیت  
ترجمه عباس کاشف



# ترجمه

نظریات دانشمندان و فیلسوفان جهان پیرامون ترجمه





# ترجمہ

نظریات دانشمندان و فیلسوفان جهان پیرامون ترجمہ

مؤلفان : راینر شولتہ - جان بی گوئٹہ

---

ترجمہ عباس کاشف



|                     |                                                                                                                |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | شولت، رینر، ۱۹۳۷-م. Schulte, Rainer, 1937                                                                      |
| عنوان و نام پدیدآور | ترجمه نظریات دانشمندان و فیلسوفان جهان پیرامون ترجمه / مؤلفان<br>راینر شولته، جان بی گوته نت؛ ترجمه عباس کاشف. |
| مشخصات نشر          | تهران: نشر فرزاد روز، ۱۴۰۰.                                                                                    |
| مشخصات ظاهری        | ۲۳۶ ص.                                                                                                         |
| شابک                | ۴-۵۲۲-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸                                                                                              |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیا                                                                                                            |
| یادداشت             | Theories of translation: on anthology of essays :<br>عنوان اصلی: from Dryden to Derride, 1992                  |
| عنوان دیگر          | گزیده ای از جستارها از درآیدن تا دریدا نظرات دانشمندان و فیلسوفان<br>جهان                                      |
| موضوع               | ترجمه -- تاریخ                                                                                                 |
| موضوع               | Translationg and interpreting -- History                                                                       |
| شناسه افزوده        | بیگنت، جان، ۱۹۴۹-م ۱۹۴۹ Biguenet, John, 1949                                                                   |
| شناسه افزوده        | کاشف، عباس، ۱۳۱۳-، مترجم                                                                                       |
| رده بندی کنگره      | ۳۰۶ P                                                                                                          |
| رده بندی دیویی      | ۴۱۸/۰۲۰۹                                                                                                       |
| شماره کتابشناسی ملی | ۷۶۰۷۲۳۰                                                                                                        |



### ترجمه

نظریات دانشمندان و فیلسوفان جهان پیرامون ترجمه

از درآیدن تا دریدا

مؤلفان: راینر شولته - جان بی گوته نت

ترجمه عباس کاشف

چاپ اول: ۱۴۰۰؛ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

ناظر چاپ: مجتبی مقدم؛ طراح جلد: آرمینا طهرانی مؤید

حروف نگاری: شبستری؛ لیتوگرافی: لاله؛ چاپ و صحافی: تاجیک

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت (چاپ - فتوکپی - صوت - تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.



میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰

تلفکس: ۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۸۷۲۴۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.ir

ISBN: 978-964-321-522-4

شابک: ۴-۵۲۲-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

## فهرست

|     |                                     |
|-----|-------------------------------------|
| پنج | مقدمه مترجم                         |
| ۱   | پیش‌گفتار                           |
| ۱۵  | ۱. هوگو فردریش                      |
|     | در فن ترجمه                         |
| ۲۵  | ۲. جان درایدن                       |
|     | در ترجمه                            |
| ۳۹  | ۳. آرتور شوپنهاور                   |
|     | درباره‌ی زبان و واژگان              |
| ۴۵  | ۴. فردریش اشلایرماخر                |
|     | در شیوه‌های گوناگون ترجمه           |
| ۶۱  | ۵. ویلهلم فن هومبولت                |
|     | از دیباچه ترجمه‌اش از آگاممنون      |
| ۶۹  | ۶. یوهان ولفگانگ فن گوته            |
|     | ترجمه‌ها                            |
| ۷۵  | ۷. دانته گابریل روسِتی              |
|     | مقدمه‌ای بر شاعران نخستین ایتالیائی |
| ۸۱  | ۸. فردریش نیچه                      |
|     | درباره‌ی دشواری ترجمه               |

۹. والتر بنیامین ..... ۸۷
- وظیفه مترجم
۱۰. ازرا پاند ..... ۹۹
- روایت‌های گیدو
۱۱. خوزه اُرتگا ای گاست ..... ۱۰۷
- فراز و فرود ترجمه؟
۱۲. پل والری ..... ۱۱۷
- گونه‌های مختلف [ترجمه] اِگلوکز<sup>۱</sup>
۱۳. ولادیمیر ناباکوف ..... ۱۳۱
- دشواری‌های ترجمه یوجین اُنه گین به زبان انگلیسی
۱۴. رومن یا کوبسون ..... ۱۴۱
- درباره‌ی جنبه‌های زبان‌شناختی ترجمه
۱۵. اُکتاویا پاز ..... ۱۴۹
- ترجمه: نوشته‌ها و آثار ادبی
۱۶. پیتر زوندی ..... ۱۵۷
- هنر آفرینش همخوانی شعری
۱۷. ایو بن فوا ..... ۱۶۹
- ترجمه‌ی شعر
۱۸. هانری شوگت ..... ۱۷۵
- نظریه معناشناسی و نظریه ترجمه
۱۹. میشل ری فاتره ..... ۱۸۷
- جابه‌جا کردن پیش‌انگاره‌ها درباره‌ی نشانه‌شناسی ترجمه ادبی
۲۰. ژاک دریدا ..... ۱۹۳
- از برج‌های بابل

۲۱. هانس اریش نوساک ..... ۲۰۳
- ترجمه کردن و ترجمه شدن
- زندگی‌نامه نویسندگان این مقالات ..... ۲۰۷
- واژه‌نامه ..... ۲۱۳



## مقدمه مترجم

کتاب تئوری‌های ترجمه که دربرگیرنده ۲۱ مقاله از دانشمندان و فیلسوفان مشهور جهان پیرامون هنر و فن ترجمه است به همت دو نفر از استادان مشهور این رشته به نام‌های راینر شولته و جان بیگونت بوسیله دانشمندان کشورهای مختلف از زبان اصلی نویسندگان آن به زبان انگلیسی ترجمه و به طبع رسیده است.

از آنجا که جای چنین مجموعه گرانقدری در ادبیات مربوط به ترجمه بسیار خالی است و در حالی که شمار دانشجویان دانشکده‌های ترجمه در کشور رو به فزونی است و از آنجایی که دقت و امعان نظر نسبت به کار ترجمه هم‌تراز با حفظ میراث ادبی و فرهنگی زبان فارسی از اهم امور است بر این اساس آگاهی از عقاید دانشمندان و فیلسوفان جهان در زمینه ترجمه ضرورتی حیاتی بشمار می‌رود. از نظر جان بیگونت استاد زبان، ترجمه ریشه‌های خود را از آموزش گسترده فرهنگی یونان باستان دارد (paideia) که به عنوان تمرینی برای تربیت نوآموزان معانی بیان در آفرینش سبک است.

کار تحقیق و بررسی در این زمینه به طور معمول در گروه‌های ادبیات تطبیقی با بررسی اینکه چگونه طی سالهای مختلف متون نگاشته شده در زبان‌های خارجی را تفسیر کرده‌اند انجام می‌پذیرد زیرا نظریات مطروحه یک تکامل تاریخی را درباره ترجمه ارائه می‌نمایند.

سرانجام با سپاس از کوشش‌های مداوم و بی‌دریغ مؤسسه نشر فرزنان روز در تعالی فرهنگ و نشر دانش، توفیق روزافزون این مؤسسه را آرزومند است.

ع. کاشف



## پیش‌گفتار

۱  
بطور کلی کار ترجمه و توجه به نقش و سودمندی آن برای پژوهش‌های ادبی یک جنبه مهم و اغلب بحث‌برانگیز سنت ادبیات غربی است. بعضی نویسندگان و دانشمندان گذشته و حال به فن ترجمه دست یازیده‌اند و اشتغال آنان به این کار موجب شده است که بصیرت‌های خود را در فرآیند ترجمه عیان سازند. درحالیکه بیشتر این نویسندگان میراثی قابل توجه به‌عنوان مترجم باقی نهاده‌اند، آنان نظرهای متفاوتی درباره امکان‌ها و عدم امکان‌های ترجمه ادبی ابراز کرده‌اند. بهر روی، یک مطالعه مفاهیم متعدد علمی، خواه منبعث یا حاصل کار ترجمه باشد می‌تواند وارد شدن در شیوه‌هایی را به‌بار آورد که از طریق فن ترجمه، امکان تفاهم و وسیله ارتباط میان فرهنگی را میسر می‌سازد. فقط متن‌های شامل در این مجموعه، که از نظر ترتیب زمانی در خارج از قرن‌های نوزدهم و بیستم قرار می‌گیرد، برگزیده‌هایی از جان درایدن است. در زمان او، سابقاً، او سطوح مختلفی از تفکر مربوط به ترجمه را طرح‌ریزی کرده، سطوحی که خطوط اصلی را برای بحث پیش از دوران‌های اخیر پدید آورده است. برخی از دستاوردهای او برای کسانی که خودشان را در کار ترجمه به نحو مطلوبی یا به نحوی بی‌ثمر درگیر کرده‌اند بسیار آشنا است. درآیدن، فعالیت‌های ترجمه‌ای‌اش را «بیماری ترجمه» می‌نامد. او میداند «که یک فرد پیش از آنکه مبادرت به ترجمه یک زبان خارجی بنماید بایستی یک منتقد منصف در زبان مادری‌اش باشد.» او شرایط لازم را برای مترجم به طریق زیر خلاصه میکند:

«شرط لازم برای یک مترجم صاحب اطلاع بایستی مهارت در زبانی باشد که از آن ترجمه میکند و مهارت در زبانی باشد که به آن ترجمه می‌نماید، اما اگر کمبودی در یکی از این دو [زبان] وجود داشته باشد، این کمبود در زبان اصلی است، تا زمانی که به حد کافی در زبان نویسنده‌اش مهارت پیدا کند، برای او بیان آن معنی با سلاست در زبان خویش امکان‌پذیر است، هم‌چنانکه در مورد زبان خویش قرار است مهارت داشته باشد آن هم در صورتی که تسلط تمام‌عیاری بر آن زبان داشته باشد.»

فرضیه‌های ترجمه دویست سال گذشته بطور طبیعی نیازمند بررسی در یک محیط تاریخی است. این فرضیه‌ها بیخود بوجد نیامده‌اند. باین همه این فرضیه‌ها پویایی مبادله‌های فکری و پویایی بحث‌های شورانگیز داغ را در خصوص تأثیر و سودمندبودن کارهای ترجمه بوجود می‌آورند. بمنظور آگاه کردن خواننده از تاریخ ترجمه، این گزیده‌ها با توصیف کلی هوگو فردریش از شیوه‌های عمده ترجمه از زمان رومی‌ها تا زمان حاضر آغاز میگردد. مقاله زیر عنوان «درباب فن ترجمه» در اساس به‌عنوان یک سخنرانی در ۱۹۶۵ ایراد گردید که برخی از نظریه‌های عمده را که اندیشه ترجمه را در سراسر قرن‌ها قالب‌ریزی کرده است مشخص می‌سازد. اظهارنظرهای او نه فقط بخاطر ارزیابی روش آنها از منظرهای تاریخی که تئوری‌های ترجمه را در گذشته ایام را بهبود بخشیده‌اند گرانبها است بلکه نیز بخاطر خلاصه کردن به پرسش‌هایی در اوایل مقاله‌اش هست که مایه دلبستگی‌های عمده مترجمان و پژوهندگانی شده است که در زمینه پژوهش‌های ترجمه کار می‌کنند.

هوگو فردریش پژوهش‌های تاریخی خود را درباره تئوری‌های ترجمه از امپراتوری روم آغاز می‌نماید. در آن دوران ترجمه به معنی وارد کردن مطالب فرهنگ بیگانه در زبان یک فرهنگ مختص به خود بدون توجه کردن خاص به ویژگی‌های واژگانی یا مربوط به سبک متن‌های زبان اصلی بود. از دیدگاه رومیان، ترجمه آثار فلسفی و ادبی به معنی تاراج آن عناصری از فرهنگ یونانی بود که جنبه‌های زیبایی‌شناختی فرهنگ خودشان را فزونی می‌بخشید.

ترجمه‌ای که بطور دقیق مفاهیم زبان‌شناسی و معناشناختی متن اصلی را منتقل کرده باشد مایهٔ نگرانی عمده مترجم نخواهد بود. سیسرون اعلام نموده است که او نظریات و سبک‌های آنها را ترجمه میکرد و در نتیجه به ترجمه کلمه به کلمهٔ متن زبان اصلی دلبستگی اندکی داشت.

جیروم قدیس مترجم کتاب مقدس از زبان یونانی به زبان لاتین، نظر سیسرون را مؤکداً تأیید می‌نماید. از دیدگاه جیروم قدیس، مترجم بر مفاهیم زبان دیگر دست می‌یابد بی‌آنکه الزاماً کلمه‌هایی که این مفاهیم را در زبان اصلی بیان کرده‌اند انتقال دهد. در ثانی، ترجمه، مصادره کردن عقاید و افکار از فرهنگ دیگر برای غنی ساختن زبان خویشتن است. جیروم قدیس خود را رقیب متن اصلی میدانست و هدف، جای متن خارجی را میگرفت زیرا مترجم توانایی و آزادی بهتر ترجمه کردن از متن اصلی را داشت.

۳

اگر تصرف در متن، دلمشغولی عمدهٔ مترجمان در زمان امپراتوری روم بود، مترجمان در دوران رنسانس، امکانات اینکه چگونه ساختارهای زبانی از زبان دیگر می‌تواند زبان خودشان را غنی سازد را مورد توجه قرار دادند. مترجمان لزومی برای تقلید کردن از متن اصلی را احساس نکردند، اما بیشتر نامأنوس بودن متن زبان منبع را بر حسب قدرت روح تازه دمیدن به زبان خودشان را بررسی کردند. بنابراین مترجمان، هم در امپراتوری روم و هم در دورهٔ رنسانس، کار ترجمه را به منظور آنکه گستره‌های زبان‌شناختی و زیباشناسی زبانی خودشان را وسعت بخشند یک بهره‌جستن دقیق از متن اصلی دانستند. ترجمه‌ای که معانی مندمج در یک متن اصلی را تحریف کرده باشد دون شأن مترجم است.

این شیوه در ترجمه - یعنی نگریستن به ترجمه به مثابه بهره‌جستن از متن زبان مبدا یک تغییر چشمگیر را در میانه قرن هجدهم به بار آورد. مترجمان و نویسندگان، سایر زبان‌ها را در مقایسه با زبان‌های خودشان برابر دانستند و نه بصورت اشکال پست‌تر بیان. نویسندگانی همچون دونیس دیدرو و دالامبر در میان سایر نویسندگان به‌اجرا درآوردن این تغییرات را به عهده گرفتند. توجه

به کتابهای خارجی به صورت متن زبان اصلی به مثابه یک اصل راهنما جلوه می‌نماید و با این تغییر دیدگاه، تمایلی برای نظام دادن و برگزیدن کتابهای خارجی پدید می‌آید.

احساس مسئولیت نسبت به کتاب‌های خارجی با متن اصلی به عنوان یک گرایش قوی نهفته درباره هنر و فن ترجمه در دیدگاههای نظری قرن نوزدهم و بیستم پدید می‌آید. گزیده‌های ادبی حاضر متضمن برخی از مدارک مهم درباره تطور فن ترجمه از اوایل قرن نوزدهم تا تئوری‌های معاصر درباره ترجمه است. مقاله‌های درباب تئوری ترجمه از قرن نوزدهم تا قرن بیستم توسعه‌ای مستمر داشته است. ویلهلم فن هومبولت، فردریش نیچه، یوهان ولفگانگ فن گوته، ماتیو آرنولد و آرتور شوپنهاور، در میان سایرین، بحث درباره هنر و فن ترجمه را در قرن نوزدهم تقویت کردند. والتر بنیامین و خوزه اُرتگا ای گاست میراث خودشان را به قرن بیستم رساندند. بعضی از آنان عقاید خود را به شکل مقاله‌های کامل تدوین کردند (مثلاً فردریش شلایر مایر در مقاله «در باب روش‌های گوناگون ترجمه» و والتر بنیامین در مقاله «وظیفه مترجم»). سایرین برای تشریح نظرات علمی خودشان از نگاشتن مقدمه درباره‌ی ترجمه‌های خودشان استفاده کردند (مثلاً مقدمه ویلهلم فن هومبولت درباره «آگامنون» و مقدمه دانته گابریل روزتی درباره «شاعران متقدم ایتالیایی» و مقاله پل والری در باب «گونه‌های مختلف [ترجمه] از اِکلوگز»).

با این که این نویسندگان تمهید مقدمه منطقی برای اقدام به ترجمه از متن اصلی را می‌پذیرند، اظهارنظرهای علمی آنها، جنبه‌های مختلف فرآیند ترجمه را در نقل متون از یک زبان به زبان دیگر تعالی می‌بخشد.

ویلهلم فن هومبولت بر وفاداری به کل متن، بیشتر از بخش‌ها و جزئیات آن تأکید دارد. رعایت امانت به تحت‌اللفظی بودن ارتباطی ندارد بلکه بیشتر به معادل‌های مناسب از یک زبان به زبان دیگر بستگی دارد. هومبولت نظریاتی آرتور شوپنهاور را در خصوص معادل‌ها مجدداً تصدیق می‌نماید: «هر واژه‌ای در یک زبان همان معادل را در زبان دیگر ندارد. بنابراین همه مفاهیمی که از

طریق واژه‌های یک زبان بیان شده‌اند، درست مثل همان واژه‌هایی که از طریق واژگانِ زبانِ دیگر بیان شده‌اند نیستند.» مشکل معادل‌ها در عرصه بیانِ شاعرانه حتی دشوارتر و مسئله‌سازترند. با این وصف طبق نظر شوپنهاور، معادل‌ها پذیرفتنی نیستند: «اشعار نمی‌توانند ترجمه شوند. آنها فقط می‌توانند بازنویسی شوند که همیشه یک درکِ کاملاً نامفهوم‌اند.»

به هر روی این تائید به دیدگاهِ مهم دیگری منجر میشود. از آنجائیکه معادل‌های درست برای انتقال متن‌های شاعرانه نمی‌توانند مبنا قرار گیرند، خواننده یا مترجم می‌تواند به منبع متن زبان اصلی از طریق وجود ترجمه‌های متعدد نزدیکتر شود. هومبولت از عقیده ترجمه‌های متعدد استقبال کرد، دیدگاه‌های مختلف بوسیله مترجمان متعدد به خوانندگان از جهان متن فرصت عمیق‌تر شدن در گوهره یک شعر خاص یا یک قطعه نثر را میدهد. هومبولت می‌نویسد: «افزون بر این، خوانندگان یک زبان ملی که نمی‌توانند متون کلاسیک را در زبان اصلی مطالعه کنند می‌توانند این کتاب‌ها را نیز از طریق ترجمه‌های متعدد بفهمند تا فقط از طریق یک ترجمه.» اهمیت ترجمه‌های متعدد به‌عنوان نحوه‌ای از فهمیدن و درک کردن یک هدف اصلی طرز فکر علمی قرن نوزدهم و قرن بیستم در زمینه پژوهش‌های ترجمه به‌شمار می‌آمد. بدیهی است، این شیوه‌های اندیشیدن، ضرورت جلب مترجم را به متن فارسی صحه می‌گذارد. به نام‌آنوس بودن متن در انتقال از زبان اصلی به زبانی که ترجمه می‌شود بایستی معتقد بود. آگوست ویلهلم اشلیگل می‌نویسد: «من کوشش کرده‌ام ویژگیهای متن اصلی را بر مبنای تأثیری که بر من می‌نهد ترجمه کنم. سعی در راست‌وری کردن یا شاخ‌وبرگ دادن به ترجمه، خراب کردن آن خواهد بود.»

ماتیو آرنولد که مقاله‌اش «درباب ترجمه هومر» بخاطر مفضل‌بودنش نمی‌توانست در این مجموعه بیاید پی‌گیری و تائید نظریات زیباشناختی و افکاری را که بوسیله هومبولت و اشلیگل حمایت شده است ارائه می‌نماید. بخاطر سهم مهم آرنولد در زمینهٔ تئوری ترجمه، تأکید کردن بر نکات عمده

مقاله‌اش ضروری است. آرنولد ته‌وتوی روابط بغرنجی را که بین مترجم و متن اصلی وجود دارد درمی‌آورد. او با بحث از ترجمه‌های متعدد از اثر هومر درباره تئوری‌های ترجمه‌اش به تفصیل کار میکند. ماهیت تأثیر کار هومر نمی‌تواند بوسیله خواننده یا مترجم معاصر تغییر اساسی داده شود.

بنابراین توقع داشتن از خواننده معاصر برای واکنش نشان دادن به کار هومر به طریقی که خوانندگان هومر در زمان او واکنش نشان میدادند بی‌فایده خواهد بود. مترجمان مجبورند که از چارچوب فکری خودشان با هومر اثر متقابل بگذارند؛ واکنش آنها نسبت به متن‌های هومری است که به دیدگاه‌های ترجمه‌هایشان شکل میدهد.

هیچ‌کس نمی‌تواند به او [مترجم] بگوید که هومر چگونه بر یونانیان تأثیر گذارد؛ اما کسانی هستند که می‌توانند به او بگویند که چگونه هومر بر آنها تأثیر گذارد. آنان دانش پژوهشان‌اند که درعین حال با علم به معارف یونانی صاحب احساس و قریحه شعری مکفی‌اند. از نظر آنان هیچ ترجمه‌ای در مقام مقایسه با متن اصلی دارای ارزش برابر نیست؛ اما آنها فقط می‌توانند بگویند که ترجمه کم‌وبیش همان تأثیر را بر آنها مثل متن اصلی ایجاد می‌نماید... پس نگذارید مترجم به تصورات خویش درباره اینکه یونانیان باستان در مورد او چه نظری می‌داشتند اتکا کند. او به عبث راه خود را گم میکند. نگذارید او به اینکه خوانندگان معمولی انگلیسی‌زبان درباره او چه فکر می‌کنند اتکاء کند. او نابلد را بجای راهنمایش اختیار می‌کند. نگذارید به داوری خویشتن در کار خویش اتکا کند. او امکان دارد با بوالهوسی‌های شخصی گمراه شده باشد. بگذارید بپرسد چگونه آثارش بر کسانی که هم زبان یونانی میدانند و هم می‌توانند شاعری را پاس دارند تأثیر می‌نماید.

شمول تبخّر آرنولد به‌عنوان یک مؤلفه مهم در کار ترجمه با اشتیاق اشلینگل در تأسیس انجمنی از مترجم و پژوهشگر ادبی، از هنرمند خلاق و دانشور از هر جهت فرهیخته هماهنگ است. دانش پژوه است که می‌تواند یک دقت و صراحتی را در مورد ترجمه تضمین نماید و درنتیجه انسان بایستی اثری را که متن یونانی بر دانش پژوه دارد بررسی کند و اینکه دانش پژوه چگونه

برای فهمیدنِ متن به منظور بدست آوردنِ درک بیشتری از آن کار میکند را مورد مطالعه قرار دهد. آرنولد ادامه میدهد:

[مترجم] سعی دارد دانش‌پژوهان را قانع کند. زیرا دانش‌پژوهان درواقع فقط شیوه قضاوت کردن درباره او را دارند. این حقیقت دارد که یک دانش‌پژوه ممکن است فردی ملانقطی باشد و بنابراین داوری او بی‌ارزش خواهد بود. اما یک دانش‌پژوه نیز ممکن است احساس شاعرانه داشته باشد، و بنابراین او می‌تواند به‌درستی درباره مترجم داوری کند. از آنجائیکه همه احساسات شاعرانه در جهان نمی‌تواند فردی را که دانش‌پژوه نیست قادر سازد که به‌درستی درباره مترجم داوری کند. زیرا مترجم هومر را بازآفرینی می‌نماید و دانش‌پژوه فقط این وسیله را دارد که بداند هومر کسی است که بازآفرینی شده است. مترجم هومر را می‌شناسد اما بطور ناقص، زیرا او از هومر بخاطر زمان، نژاد و زبان جدا شده است، اما او فقط دست‌کم او را می‌شناسد.

این تصور از رابطه بین دانش‌پژوه و مترجم، برای تئوری ترجمه و کار ترجمه در قرن بیستم مسئله مهمی شده است.

آرنولد نیز نظریات شوپنهاور را درباره معادل‌ها بارِ دگر تائید می‌نماید. آرنولد فکر می‌کند که فرآیند ترجمه بایستی سبک و وزن یک شعر یا یک متن را پیش از جستجو کردن برای معادل‌های درست برای هر واژه بازآفریند. و مانند هومبولت او معتقد به یک‌پارچه بودن متن است تا فقط جزئیات جداگانه. آرنولد می‌نویسد:

تصور اینکه پرداختن به محتوای متن اصلی رعایت کردن امانت است مشروط بر آنکه شما درعین حال به سبک آن بپردازید یا به عبارت دقیق‌تر تصور اینکه شما درواقع می‌توانید دست‌کم محتوای آن را ارائه نمایید مشروط بر اینکه شما بتوانید سبک آن را ارائه نمایید، فقط اشتباه نقاشان مکتب پیش از رافائل است که آنان درک نمی‌کنند که تأثیرگذاری خاص طبیعت در کلیت [طبیعت] است و نه در اجزاء آن. بنابراین تأثیرگذاری خاص یک شعر در سبک و وزن آن قرار دارد نه در عبارات یک شعر که جداگانه اختیار شده باشد.

این عقیده که مترجم بایستی در بازآفرینی تمامیت متن زبان اصلی به زبان ترجمه کوشش نماید تئوری و عمل ترجمه را از قرن نوزدهم به صورت ترجمه در قرن بیستم درآورده است. شاید تنها استثنای مهم در کار ترجمه مربوط به ناباکف است که معتقد است فقط یک ترجمه تحت‌اللفظی، یک ترجمه کلمه به کلمه، عقیده‌ای معتبر است.

هنگامی که نویسندگانی همچون هومبولت، اشلینگ و آرنولد در تبیین اهمیت فرآیند ترجمه بویژه علاقمند بودند، طبیعی بود که مسایل مربوط به روش‌های ترجمه نیز نیازمند توجیه بود. شلایر مآخر با مقاله‌اش زیر عنوان «درباب روش‌های مختلف ترجمه» سهم به‌سزایی داشته است. گوته نظراتش را درباره انواع مختلف ترجمه در پایان دیوان شرقی- غربی مشخص کرده است. گوته سه نوع از ترجمه را بیان می‌نماید: ترجمه ابتدایی مبتذل، ترجمه تقلیدی تمسخرآور که در آن مترجم کوشش میکند فقط محتوای متن خارجی را به اسم خود جا بزند و ترجمه که در آن مترجم می‌کوشد ترجمه را با متن اصلی کاملاً شبیه سازد.

شلایر مآخر نظر گوته را در کار ترجمه پذیرفته و نظریات هم‌اکنون مشهورش را درباب رابطه بین خواننده- مترجم- نویسنده افزوده است. «یا مترجم تا آنجا که امکان دارد نویسنده را به حال خود می‌گذارد و خواننده را بسوی نویسنده می‌کشانند، یا او خواننده را تا آنجا که ممکن است به حال خود می‌گذارد و نویسنده را به‌سوی خواننده می‌کشانند.» این نظرات و شیوه‌ها بعداً بوسیله والتر بنیامین و حوزه ارتگا ای‌گاست پذیرفته شده است.

مرزهای پیرامون حوزه مطالعات ترجمه به‌گسترش ادامه می‌دهد. نگرانی‌های پیرامون واقعیت کنونی برگرداندن متنی از یک زبان به زبان دیگر منجر به تأملاتی درباره‌ی روش‌ها و چه‌بسا اسلوب‌هایی که می‌تواند فرآیند ترجمه را طبقه‌بندی نماید می‌گردد. بهر روی روشن شده است که اندیشه مبتنی بر ترجمه در مورد همه‌ی فعالیت‌های مربوط به ارتباط انسانی اندیشه‌ی بنیادین است و بدیهی است که درواقع همه‌ی اعمال ارتباطی، کارهای منبعث

از ترجمه است. بنابراین کاملاً طبیعی است که پژوهش در ماهیت زبان، منشأ و نقش آن بایستی بخش جداناپذیر اندیشه مربوط به ترجمه باشد. یک رشته پیوندها می‌تواند بین آرتور شوپنهاور، رومن یا کوبسون و ژاک دریدا و میسائیل ری‌ناترِه برقرار گردد. شوپنهاور می‌نویسد: «این نکته ثابت میکند که انسان در هر زبان، بطور متفاوت فکر می‌کند و ثابت می‌نماید که اندیشه ما از طریق یادگرفتنِ هر زبان خارجی، تعدیل شده و رنگ‌وبوئی تازه یافته است. و اینکه اعتقاد به چندزبانه بودن قطع‌نظر از بسیاری مزیت‌های آنی‌اش، وسیله مستقیمی در پرورش ذهن با تصحیح کردن و تکامل بخشیدن ادراکات ما از طریق پدیدار شدنِ تنوع و تلطیف مفاهیم است. درعین حال اعتقاد به چندزبانه بودن، قابل انعطاف بودنِ فکر را افزایش میدهد زیرا از طریق یادگرفتن زبان‌هایی چند، مفهوم، بطور فزاینده‌ای خود را از واژه جدا می‌نماید.»

۹

یا کوبسون بر این نکته پا می‌فشارد که: «زبان‌ها در اساس با آنچه که آنها بایستی افاده کنند تفاوت دارند و نه در آنچه که ممکن است آنها افاده کنند.» او هم‌چنین به روایت‌های گوتِه و شلایر مآخر با طبقه‌بندی نمودنِ ترجمه به سه نوع ادامه میدهد: ترجمه درون‌زبانی یا به عبارت دیگر بیان کردن، ترجمه میان‌زبانی یا ترجمه به معنی واقعی کلمه و ترجمه نشانه‌شناختی تبادلی یا تبدیلی. آخری، تعبیری از نشانه‌های کلامی به‌وسیله شیوه‌های نشانه‌های غیرکلامی است مثلاً از هنر کلامی به موسیقی، رقص، سینما یا نقاشی است.

اکتاویا پاز مقاله بسیار پرمغز خود را با این عبارات آغاز می‌کند: «هنگامی که ما سخن‌گفتن را فرامی‌گیریم ما داریم ترجمه را می‌آموزیم، کودکی که از مادرش معنی یک کلمه را می‌پرسد درواقع از او ترجمه واژه‌ی ناآشنا را به عبارت‌های ساده که او هم‌اکنون میداند می‌پرسد. با این تعبیر، ترجمه در درون همان زبان در اساس، متفاوت با ترجمه بین دو زبان نیست.» پاز از این عقیده فراتر میرود. ترجمه، بین زبان‌ها و در درون همان زبان صورت می‌پذیرد، اما وسیله بیانِ درست و حسابی که ترجمه را امکان‌پذیر می‌سازد - یعنی خود زبان - در اساس یک ترجمه است. «هیچ متنی کاملاً نمی‌تواند مطابق متن

اصلی باشد زیرا چند زبان، در گوهر واقعی خود در این هنگام یک ترجمه است: نخست از دنیای غیرکلامی و بعد بخاطر اینکه هر نشانه و هر عبارت، ترجمه‌ای از نشانه دیگر و عبارت دیگر است.»

پاز در حوزه الفاظ مشتق از فعل، نقش واژه‌ها را هم در متن منظوم و هم متن منثور توصیف می‌نماید. از آنجائی‌که در متن منثور واژه‌ها گرایش دارند «حسب مورد دارای معنی واحدی» باشند، آنها معمولاً معانی متعدد خود را در یک متن منظوم حفظ می‌کنند. در اینجا تأکید روی تشخیص تعدد معنی‌های مضمّر در متون منظوم است. واژه‌ها، قرار دادن آنها در درون یک متن، متضمن دلالت‌های ضمنی هستند که شیوه‌های متعدد بررسی کردن و تفسیر زندگی اجتماعی را بازتاب میدهند. بنابراین پاز ادامه میدهد: «تعددِی از زبان‌ها و جامعه‌ها: هر زمان منظری از زندگی اجتماعی است، هر تمدن یک زندگی اجتماعی است.»

۱۰

اندیشه‌های پاز در تعبیرهای هانس اریش نوساک درباره‌ی رابطه طرز نگارش و ترجمه بازتاب یافته‌اند. از دیدگاه نوساک کار نگارش یک قطعه ادبی در این هنگام یک کار ترجمه است: «زیرا نویسندگی خودبخود در این هنگام ترجمه کردن است.» پاز زمان را به‌مثابه وسیله ترجمه بجای نشانه‌های غیرکلامی میداند. افزون بر این، از طریق جریان ترجمه انسان تفاهم ژرف‌تری از زبان خویشتن پیدا میکند. آشناسدن با واژگان زبان خارجی، زبان بومی شخص را وسعت می‌بخشد. برای ایجاد معادل‌هایی برای استفاده مشخصی در زبان مبدء، مترجم امکان دارد واژگانی را در زبان انگلیسی بیابد که بطور معمول بخشی از کاربرد عمومی نیستند. در نتیجه نویسندگانی که درگیر کار ترجمه‌اند زبان خودشان را غنا می‌بخشند. آنگاه با دیدگاه وسیع‌تر انسان همراه با نوساک می‌تواند بگوید که مصنفان با ترجمه کردن از سایر فرهنگ‌ها می‌توانند یک ادبیات را از بسیار افراطی‌شدنِ افق فکری یا بسیار مضیق‌شدن افق فکری بازدارند.

والتر بنیامین در کوشش خود برای روشن ساختن قابل ترجمه بودن متون و «پذیرفتن اصل متفاوت بودن زبان‌ها» تحقیق رودلف پانویتز را درباره‌ی Die Krise der euraopäischen Kultur برای مطالعات علمی خویشتن درباره‌ی ترجمه انگیزه قرار میدهد. دو وظیفه عمده یان ویتنر عبارت از غنی ساختن زبان خود شخص از طریق کار ترجمه و نزدیک ساختن ترجمه به زبان متن اصلی است. او می‌نویسد:

ترجمه‌های ما، حتی بهترین آنها از یک صغری کبرای نادرست منبعث می‌شوند. آنها می‌خواهند زبان هندی، زبان یونانی و زبان انگلیسی را آلمانی‌مآب نمایند. بجای اینکه زبان آلمانی را هندی‌مآب یونانی‌مآب و انگلیسی‌مآب کنند. آنان توجه بیشتری به سبک‌های ضعیف زبان خودشان دارند تا به معنای حقیقی اثر خارجی. اشتباه اساسی مترجم این است که او حالت غیراصولی زبان خویشتن را حفظ میکند بجای اینکه بگذارد [در برابر] ضربه زبان خارجی تاب آورد. او بایستی در مبانی اصلی خود زبان نفوذ کند جایی که واژه، تصویر ذهنی و نواخت یکی می‌شوند، بویژه اگر هنگامی که او از زبان بسیار مهجورتر از زبان خویشتن ترجمه می‌کند. او بایستی زبان خویش را از طریق زبان خارجی غنی‌تر و ژرف‌تر سازد.

ایو بُن فوا در مقاله‌اش «ترجمه‌ی شعر» این نظریه را هم‌چنین به عمل شاعرانه تسری میدهد. غوطه‌ور شدن شاعر در اثر خارجی به‌عنوان مترجم، قریحه‌ی شاعر را تلطیف میکند و در همان قدرت شعری او را بازمی‌آفریند – و بگذارید هشدار بن فوا را نادیده نگیریم: «هرگاه یک اثر ما را جلب نکند، آن قابل ترجمه کردن نیست.»

چون زبان به‌نفسه یک آشکارسازی خصیصه‌ها، مفاهیم و نیروی تفکر است، عمل بازآفرینی زبان از طریق فرآیند خواندن، شکل دیگری از انتقال را پایه‌گذاری می‌نماید. فیلسوف آلمانی هانس گئورک گادامر ماهیت عمل خواندن در رابطه با فرآیند ترجمه را به‌طور مختصر خلاصه می‌کند: خوانش در این

هنگام ترجمه است و ترجمه برای بار دوم آشکار نمودن خصیصه‌ها، مفاهیم و نیروی تفکر است ... فرایند ترجمه کردن در گوهره‌ی خود رمزورازِ کاملِ درک جهان هستی و درک ارتباط اجتماعی را در بر دارد.»

ایده خواندن حتی هنوز به عنوان عمل دیگر ترجمه در یک تمایل غیرآشکارِ تئوری‌های ترجمه در قرن بیستم پدید می‌آید که به تئوری به اصطلاح دریافت منجر می‌گردد و با این توضیح که همه‌ی اعمال تبادل افکار، اعمال ترجمه‌اند. تبادل افکار می‌تواند در عرصه‌های مختلف بوقوع پیوندد. تبادل افکار از طریق تعبیر و تفسیر متون و مبادله آرا و دانش‌های متون از یک زبان به زبان دیگر با انتقال آنها از طریق عمل ترجمه. در همه‌ی موارد، ترجمه متضمن عمل انتقال است. نویسندگان این مجموعه از یک جهت یا جهت دیگر بر تحولات دقیق و چالش‌هایی که در فرآیند گشتاری ترجمه مندمج است تمرکز نموده‌اند. آنان به ترجمه و مطالعات ترجمه اعتبار نوینی در عصری بخشیده‌اند که روش‌های تفسیر موجب مقادیر زیادی سردرگمی و نارضایی در کالج‌ها و دانشگاه‌ها شده است و در عصری که مبادله آرا و اندیشه‌ها بیش از پیش از هم گسسته است.

از این مقاله‌ها دو برداشت متمایز می‌تواند استنتاج گردد: (۱) برگرداندن متون خارجی از سایر زبان‌ها به زبان خودمان به ما امکان می‌دهد که عواطف و افکاری را که در غیر این صورت ما نمی‌توانستیم تجربه کنیم بکاویم و به زبان آوریم، و (۲) عمل ترجمه بطور مداوم مرزهای زبانی زبان خود شخص را گسترش می‌دهد. در این معنی ترجمه به عنوان یک نیروی دوباره حیات بخشنده به زبان عمل می‌کند. ترجمه می‌تواند ایجاد واژگان جدید را در زبان دریافت‌کننده پرورش دهد و بر ساختارهای دستوری و معنای آن زبان تأثیر بگذارد. بطور خلاصه ترجمه بایستی به عنوان نوعی از غنابخشی مفهومی و زبانی ملحوظ گردد.

افزون بر این ترجمه نه فقط به امکاناتِ القایی یک زبان حیات تازه می‌بخشد بلکه نیز به روش‌های پژوهشی که بوسیله آنها ما فن تفسیر را بررسی

می‌کنیم حیات تازه میدم. اسلوب‌های بکاررفته به‌وسیله مترجم می‌تواند نمونه‌ای شود که بوسیله آنها ما متن‌های ادبی را بطور کلی تفسیر می‌نمائیم. اندیشه ترجمه پیوسته با نوسازی شیوه‌ها ارتباط دارد و بنابراین نوعی از تفسیر پویا را ایجاد می‌نماید تا تفسیر ایستا را.

بنابراین ترجمه و پژوهش در ترجمه به‌عنوان اصل سازمان‌دهنده‌ای که تفسیر یک متن را از ملاحظه متون و بافت‌ها از یک اسلوب متن-مدار بر یک اسلوب قاعده-مدار دوباره متمرکز می‌نماید عمل میکند.

شیوه‌ها تمایل داشته‌اند که مواضع بحثی را که بر اثر ماهیت حقیقی‌شان به صورت پیچیده‌ای با هم ارتباط دارند از هم جدا کنند. از آنجاکه ویژگی‌های حل مشکل ترجمه، مترجم را وامیدارد که انواع مختلفی از رشته‌ها و میان-رشته‌ها را برای پاسخ به نیازهای خاص یک متن در نظر بگیرد که یک ترجمه را امکان‌پذیر سازد، بازآفرینی فرآیند ترجمه، این به هم وابسته بودن را دوباره تائید می‌نماید. با این تعبیر فعالیت‌های ترجمه همیشه چندرشته‌ای است و امروزه این فعالیت‌ها خود را به صورت نیرویی متحدکننده از یک جهان از هم‌گسسته و گسیخته نمودار می‌سازند.